



امام رضا (ع) :  
بعد از انجام  
واجبات ، کاری  
بهتر از ایجاد  
خوشحالی برای  
مؤمن ، نزد خداوند  
بزرگ نیست  
بحار الانوار  
ج ۷۸ ، ص ۳۴۷



ویژه فرهنگ و معارف رضوی

پیکشیه ۱۷ اسفند ۱۳۹۹

۲۳ رجب ۱۴۴۲ | ۷ مارس ۲۰۲۱ | سال سی و چهارم | شماره ۹۴۸۳ | ویژه نامه ۱۱

www.qudsonline.ir

## مطالعات جهانی شیعه‌شناسی با پیروزی انقلاب اوج گرفت

۳

هیچ‌کس اجازه نداشت از در چوبی عبور کند

## افسانه کتابخانه جادویی!

۲



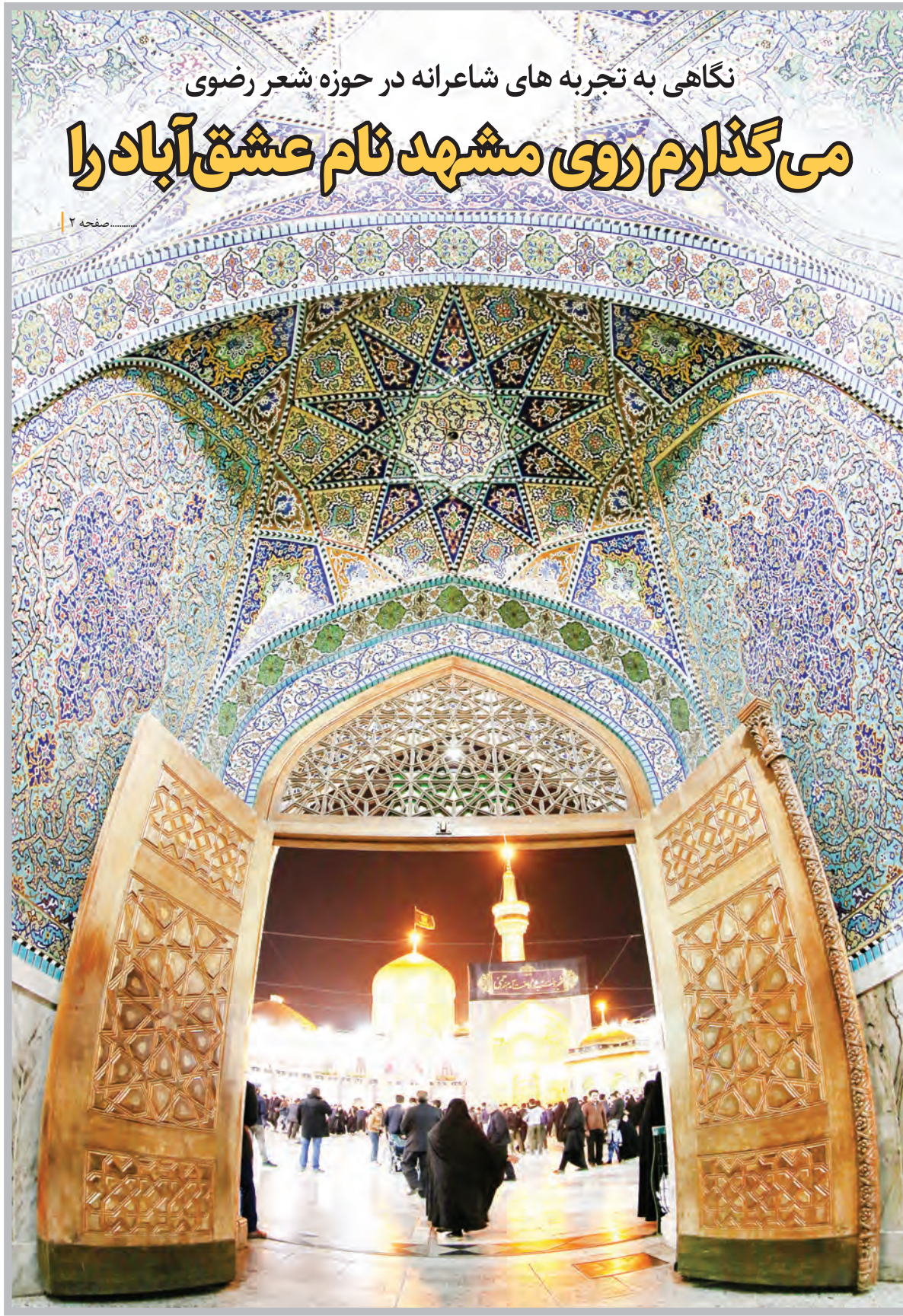
دکتر امیرمحسن عرفان

چگونه امام رضا(ع) تهدید فرهنگی ولایتعهدی را به فرصت تبدیل کرد؟

## الگوی مهندسی فرهنگی در سیره و فرهنگ رضوی

ولایتعهدی امام رضا(ع) در نگاه اول یک تهدید فرهنگی برای جامعه امامیه و امام رضا(ع) بود اما پرسش این است که حضرت(ع) چطور این تهدید فرهنگی را به فرصت تمدنی تبدیل کردند. در چرایی تهدید فرهنگی بودن...

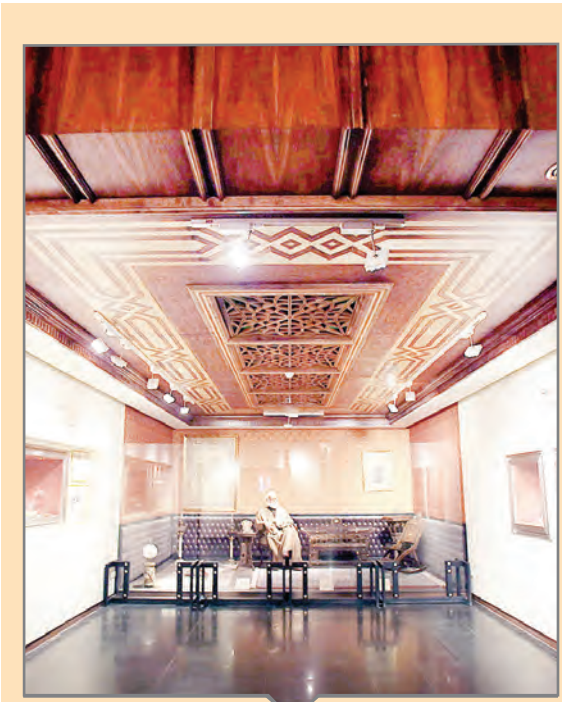
..... صفحه ۲



نگاهی به تجربه های شاعرانه در حوزه شعر رضوی

## می‌گذارم روی مشهد نام عشق آباد را

..... صفحه ۲



گذری بر پروژه مستندنگاری آثار کتابخانه و موزه ملی ملک

## میراثی برای آیندگان

۴

## نذار بچه ام غریب بمونه ...

حرم همیشه برایم آرامش داشت؛ اما آن روز دلم آشوب بود. شیفته بود و در دفتر پیداشدگان نشسته بودم. همچنان دلیل آشوبم را نمی‌دانستم. ناگهان پیرزنی گریه‌کنان وارد دفتر شد. دست زمانه خیلی سن بالا و رنجور نشانش می‌داد. آمد و وسط دفتر روی زمین نشست. همان‌طور که خودش را می‌زد می‌گفت: بچم! تو رو خدا بچم رو پیدا کنین، گم شده. هر چه می‌گفتم مادر! آرام باش! اینجا کسی گم نمی‌شود؛ گوشش بدهکار نبود.

گریه می‌کرد و خودش را می‌زد. کم‌کم مردم جلو دفتر جمع شده و خادم‌های دیگر هم آمده بودند. بعضی، مردم را پراکنده کردند و بعضی، زیر بغل پیرزن را گرفتند و نشاندهش روی صندلی، چند دقیقه‌ای از حال رفته بود. به ضرب ریختن آب روی صورتش و آب قند به هوشش آوردیم. با حال ضعیفی می‌گفت: تو رو خدا بچم رو پیدا کنین. طفل کوچیکم گم شده...

۳

### همین حوالی

### درخت‌ها یاقدمشان خیر است



**رقیه توسلی:** دارد از باغ «به» می‌گوید. به‌های مزرعه پدری. می‌گوید از بچگی، عطر شیرین به پیچیده توی خانه‌شان و سال‌های خاطرخواهی‌اش طولانی است. اینکه از پلویش بگیر تا کیک و ترشی این میوه، همه عالی‌اند به مذاقش و اینکه مربای به می‌پخته که یادم افتاده و شیشه‌ای برابرم گذاشته کنار.

به همین سادگی یکی از رفقا رنگ زده و غرقم کرده. غرق دانه‌های هل و شکر و قابلمه مسی که توی شکمش مربا دارد. غرق باغی که میوه‌هایش همه چاق‌اند. چاق پُرزدار عطرآگین.

تلفنمان که تمام می‌شود می‌رسم محل مصاحبه. پا تند نمی‌کنم که برسم به ساختمان. توی حیاط مجتمع عده‌ای برای کاشتن نهال‌ها دارند باغچه‌ها را بیبل می‌زنند و چاله می‌کنند. اولین بار است غیر از زمین خودمان، درخت‌کاری می‌بینم. می‌بینم جمعیتی دوست دارند درخت بنشانند. شعف از صورت درختکار و تماشاچی چکه می‌کند.

زیربلی دارم از خودم می‌پرسم درخت‌ها که یاقدمشان خیر است چرا توی تقویم برای درخت‌کاری فقط هفته‌ای قائل شده‌ایم که از پشت سر، پرسش غرغری می‌شنوم... خانی خیرنگارانه‌تر از من سؤال‌ها را از جمع می‌پرسد: ما کجا درخت بکاریم؟ خانه‌ام، ۷۵ متری است بدون تراس... زمین و باغ هم نداریم... روحمان هم دارد برای درودرخت و طبیعت پرواز می‌کند!

طعم شیرین مزرعه به رفیق و باغ پرتقال خودمان گس می‌شود و خودم را می‌گذارم جای این زن. سخت است. سخت است جای او بودن. اساسا جای حسرت به دل‌ها بودن، تلخ است.

چندتایی عکس می‌اندازم از کاج‌های خمراهی و صنوبرهای سریع‌ال رشد و راه می‌افتم سمت ساختمان جلسه درحالی که سؤال‌ساز سرم روشن شده؛ چرا شهرداری و منابع طبیعی مکان‌هایی درنظر نمی‌گیرند که مردم بتوانند آنجا درخت بکارند؟ چرا پارک‌هایی در سطح شهر وجود ندارد که علاقه‌مندان به عنوان همیار طبیعت بروند برای نشای گل و گیاه و درخت؟ سازمان جهادکشاورزی چرا برای تأمین نشاط اجتماعی شهروندان پیشقدم نمی‌شود تا هموطن و باغدار متقاضی را به هم پیوند دهد برای همکاری؟ واقف‌ها آیا زمین کشاورزی برای امر کشاورزی وقف می‌کنند؟ می‌رسم به در ورودی اداره. سؤال‌ساز خاموش می‌شود، روی بنر نصب شده می‌خوانم: «کسی که درختی بکارد خداوند نیز برای او در بهشت درختی می‌کارد». پیامبر اکرم(ص)

مروری بر تاریخ موزه و موزه‌داری در آستان قدس رضوی

## بانک یادگاری‌های تاریخی حرم



عکس : وحید بیات / قدس

اینکه در سال ۱۳۵۳، ساختمانی در صحن موزه قدیم (رواق امام خمینی فعلی) در سه طبقه بنا و با شکل نوین، غرفه‌آرایی شد. طبقه بالای این ساختمان را به کتابخانه آستان‌قدس اختصاص دادند و طبقات پایین‌تر را تبدیل به موزه کردند. عملیات ساخت موزه جدید در سال ۱۳۵۶ تمام شد. با این حال، همزمان با پیشرفت سریع پروژه عظیم ساخت کتابخانه مرکزی آستان‌قدس در سال ۱۳۷۰ و انتقال تدریجی کتابخانه جنوب شرقی صحن قرار داشت، به بیرون انتقال به مکان فعلی‌اش که از حیث مهندسی و طراحی، یکی از بهترین کتابخانه‌های جهان اسلام محسوب می‌شود، طبقه بالای موزه هم به نمایش اشیای عتیقه اختصاص یافت و شکل موزه به خود گرفت. با ساخت رواق امام خمینی(ره)، ورودی موزه آستان‌قدس که در جنوب شرقی صحن قرار داشت، به بیرون انتقال یافت و امروزه در صحن کوثر قرار دارد. دهه ۱۳۸۰ خورشیدی، دهه به اوج رسیدن جایگاه و کیفیت موزه آستان‌قدس است. در این دوره تاریخی، ساختمان جدیدی با وسعت بیش از ۶ هزار و ۵۰۰ متر زیربنا و در سه طبقه برای موزه فرش و نفایس آستان‌قدس ساخته شد و به این ترتیب فضای موزه افزایش چشمگیری پیدا کرد. جالب است بدانید مدتی بعد ساختمان حمام مهدی‌قلی‌بیگ معروف به «حمام شاه» که در مجاورت حرم مطهر (ضلع غربی) قرار گرفته و پیشینه‌ای ۴۰۰ ساله دارد به طرز باشکوهی بازسازی شد و زیر نظر موزه آستان‌قدس رضوی به موزه مردم‌شناسی تبدیل شد. این حمام به دستور و همت مهدی‌قلی‌بیگ میرآخور(مسئول اصطبل شاه) شاه عباس اول صفوی ساخته و همان زمان وقف حرم امام رضا(ع) شد. این را هم بدانید که این حمام قدیمی تا سال ۱۳۶۷ قابل استفاده بود اما کم‌کم تعطیل و متروکه شد تا در سال ۱۳۷۸ عملیات مرمت و بازسازی شروع شود و هفت سال بعد به عنوان موزه مردم‌شناسی از آن رونمایی شود.

دنبال منافع در راستای انجام آن بود، به ظاهر جدی گرفته نشد. اما مدتی بعد، شورایی مرکب از معارف شهر مشهد ازجمله محمود فرخ مأموریت پیدا کردند تا مکان مناسبی را برای تأسیس موزه آستان‌قدس رضوی پیدا کنند. بالاخره محل مورد نظر پیدا شد، اما به دلایل مختلف ساخت و انتقال اشیای خزانه به موزه امکان‌پذیر نشد. در سال ۱۳۸۵ خورشیدی حجره‌های فوقانی بخش شمال‌غربی صحن نو(آزادی فعلی) را به حجره‌های طبقه فوقانی بخش جنوب‌شرقی صحن عتیق(انقلاب فعلی) متصل کردند و فضای جدیدی برای خزانه آستان‌قدس ایجاد شد. همزمان با استخدام چند معمار خبره، عملیات ساخت موزه آستان هم آغاز شد.

### آغاز موزه به شکل نوین

نقشه طراحی‌شده برای ساختمان موزه پس از تأیید مقامات در سال ۱۳۱۶ اجرایی شد؛ آن هم در ۱۴ آذرماه. بنابراین اگر قرار باشد سابقه موزه آستان‌قدس را به شکل مدرن آن بررسی کنیم، باید برویم به ۱۴ آذر سال ۱۳۱۶، این بنا را در سه طبقه ساختند و طبقه زیرین آن به خزانه‌داری کل آستان‌قدس اختصاص یافت و نمای بیرونی آن را با سنگ مرمر تزئین کردند. در سال ۱۳۱۸، با نظارت مهدی بهرامی، رئیس وقت موزه ایران باستان، اشیای نفیس و قابل انتقال به موزه آستان‌قدس، صورت‌برداری و مستندسازی و به این ترتیب موزه افتتاح و کارش آغاز شد.

### تغییرات جدید

محل ساختمان موزه تا حدود چهار دهه بعد، در همین مکان باقی ماند و توسعه‌ای پیدا نکرد؛ تا

**محمدحسین نیکبخت:** کمتر زائری است که به موزه آستان قدس رضوی سری نزده باشد؛ موزه‌ای بزرگ و مملو از اشیای عتیقه و تاریخی که بسیار چشم‌نواز و جذاب است. از سکه‌های ایران باستان و اشیای نفیس دوره اسلامی مانند سنگاب بزرگ خوارزمشاهی بگیرد تا مدال‌های جهان‌پهلوان تختی و احمد وفادار و همچنین جایزه ویژه بازیکن سال آسیا که در سال ۱۹۹۶ به خداداد عیزری اهدا شده است، در این موزه وجود دارند و می‌توانند نظر هر بازدیدکننده‌ای را جلب کنند. امروزه موزه آستان قدس با توسعه‌ای بسیار زیاد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی تجربه کرده، صاحب بخش‌های اختصاصی فرش، مردم‌شناسی و تمبر نیز شده است. هرچند باید تاریخ را به صورت عینی در موزه آستان قدس فرا گرفت و مرور کرد، اما خود این موزه نیز بخشی از تاریخ است؛ یعنی تاریخ و گذشتہ‌ای دارد که به احتمال زیاد نشنیده‌اید به همین دلیل از شما دعوت می‌کنیم میهمان ما باشید تا با هم در تاریخ موزه آستان قدس سرکی بکشمیم و ناشنیده‌ها را مرور کنیم.

### خزانه‌ای که موزه شد

سابقه تأسیس موزه در آستان قدس رضوی به دهه ۱۳۱۰ خورشیدی برمی‌گردد؛ البته این به آن معنا نیست که قبلیش محلی برای نگهداری اشیای عتیقه و خاص تقدیم شده به آستان قدس رضوی وجود نداشت. از قدیم‌الایام هر وقت صاحب منصب یا آدم متصل و مهمی به زیارت می‌آمد سعی می‌کرد در کنار خدمات عمرانی و عام‌المنفعه، با تقدیم یک شیء نفیس، ارادت خود را به ثامن‌الحجج(ع) نشان دهد. از آنجا که بیشتر این اشیاء به دلیل وقفی بودن قابلیت تبدیل به وجه نقد و یا استفاده از آن در امور جاری آستان قدس را نداشتند، در محلی به نام خزانه نگهداری می‌شدند. بنابراین اگر دنبال اسم قدیمی موزه آستان قدس می‌گردید، احتمالاً باید همین نام خزانه را قبول کنید تا بعد با هم به توافق جدیدی برسیم! محل اولیه خزانه حرم مطهر دقیقاً مشخص نیست؛ اما می‌دانیم در ۱۰۰ سال قبل از تأسیس رسمی موزه، مکان خزانه‌داری کل آستان قدس جایی بین دارالسیاده و دارالحفاظ قرار داشت و ورودی آن هم از سمت صفت دارالحفاظ بود و براساس اسناد موجود، دفتری داشت که در آن اشیای گرانبهای موجود در خزانه را ثبت کرده بودند. حوالی دهه ۱۳۱۰، شخصی به نام رومانسکی، کنسول روسیه در بیرجند که یک عتیقه‌شناس خبره هم بود به مسئولان وقت آستان قدس پیشنهاد داد اشیای قدیمی که در خزانه‌داری خاک می‌خورد را به صورت یک موزه درآوردند تا مردم بتوانند از آن‌ها بازدید کنند. پیشنهاد آقای رومانسکی که شاید خودش هم

### از کی به اماکن متبر که «حَرَم» گفتند؟



آن قدر این واژه برای ما جا افتاده است که اصلاً به پیشینه‌اش فکر هم نمی‌کنیم؛ البته کار دوستانی را که فکر نمی‌کنند، راحت کردیم و این عزیزان می‌توانند با خواندن این یادداشت بدون آنکه زحمت فکر کردن را بکشند، بفهمند واژه «حَرَم» از چه زمانی به اماکن متبرکه گفته شد. به پیشینه غیراسلامی کام نداریم، اما نخستین بار در قرآن مجید واژه حرم برای مکه مکرمه به کار رفته است و بعدها از این واژه برای معرفی اماکن مقدسه اسلامی، مانند مسجدالنبی(ص) هم استفاده کردند. به احتمال زیاد، پس از واقعه جانگداز شهادت امام هشتم(ع) آغاز حرکت زائران مشتاق به سمت مشهد، این واژه را برای احترام به این مکان مقدس مورد استفاده قرار می‌دادند، اما از این کاربرد، در متون قدیمی نشانی نیست.

ظاهراً نخستین بار شاعر پارسی‌گوی قرن ششم، سنائی غزنوی در خلال شعری از کلمه حرم برای بارگاه منور رضوی استفاده کرد و سرود: «دین را خرّمی است در خراسان / دشوار تو را به محشر آسان». استفاده از نام حرم، به ویژه پس از پناه جستن عده‌ای در اماکن مقدسه، بیشتر رایج شد. از نظر اداری و سازمانی، از دوره صفویه به بعد، واژه حرم برای نام‌گذاری مرقد مطهر امام رضا(ع) و اماکن متبرکه اطراف آن، کاربرد گسترده‌ای پیدا کرد و به طور کامل جا افتاد. مورخان این دوره مانند اسکندر بیگ منشی، از ترکیباتی مانند «حرم محترم» یا «حرم علیه‌عالیه» استفاده می‌کردند.

ممکن است این پرسش مطرح شود شما که می‌گویید از ابتدا به مرقد مطهر امام رضا(ع) حرم نمی‌گفتند، خب، چه می‌گفتند؟ پاسخ این پرسش را باید در منابع موجود از قرون اولیه اسلامی یافت؛ عنوان‌ها البته مختلف‌اند؛ اما بین آن‌ها، «مشهد» و «واژه‌ای عام‌تر است؛ «مشهد علی بن موسی الرضا(ع)» و از همه مشهورتر چنان‌که شیخ صدوق نیز در کتاب خود از آن استفاده می‌کند، «مشهدالرضا(ع)». حالا اینکه چرا به مرور زمان واژه حرم جای مشهدالرضا(ع) را گرفت، دلیلی منطقی و ساده دارد. طی سده‌های بعد به تدریج در اطراف حرم رضوی خانه‌های متعدد ساخته شد و محلاتی شکل گرفت؛ در یک کلام شهر جدید به وجود آمد که باید نامی بر آن می‌گذاشتند. چنین بود که نام مشهد را به شهر دادند و نام حرم را که بخشی از مرکز شهر بود به بارگاه منور رضوی نسبت دادند.



